



تحلیل محتوای دعای ۲۱ صحیفه سجادیه

فاطمه علائی رحمانی^۱، عاطفه بختیاری^{۲*}، فرشته معتمد لنگرودی^۳

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22084/DUA.2025.30568.1141](https://doi.org/10.22084/DUA.2025.30568.1141)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۳



چکیده

بهره‌گیری از آموزه‌های صحیفه سجادیه که در قالب دعا بیان شده است، زمینه رشد انسان را فراهم می‌نماید. دعای بیست و یکم صحیفه سجادیه از جمله ادعیه‌ای است که امام سجاده (ع) آن را در مواجهه با اندوه ناشی از غفلت و خطای انسانی در پیشگاه خداوند عرضه می‌دارد. این دعا، به مثابه الگویی کارآمد، شیوه تعامل بنده با پروردگار را در شرایط درماندگی ترسیم می‌کند. از این رو، ضرورت دارد ماهیت این دعا مورد بازشناسی قرار گیرد. پژوهش حاضر با روش تحلیل محتوای کمی و کیفی و با استفاده از نرم افزار Excel، فرازهای این دعا را مورد واکاوی قرار داده است تا پس از بررسی کمی داده‌ها، فراوانی مضامین اصلی و فرعی را شناسایی نماید و ضمن کشف زوایای پنهان کلام امام سجاده (ع)، الگوی رفتاری ایشان در مواجهه با حزن ناشی از اشتباهات انسان را تبیین کند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که موضوعات اصلی دعا در سه گروه: اعتراف به قدرت خداوند، درخواست بندگی، درخواست امان بخشی و پناهندگی به خداوند است که می‌توان آن‌ها را محوری‌ترین اصول حاکم بر دعا دانست و در نهایت، الگویی عملی برای تقویت رابطه عبودیت با خداوند متعال را ترسیم کرد که با تأکید بر ضعف انسان و تکریم قدرت پروردگار، مسیر رهایی از غفلت و رسیدن به تقرب را هموار می‌سازد.

واژگان کلیدی: امام سجاده (ع)، تحلیل محتوا، صحیفه سجادیه، قدرت خداوند، درخواست بندگی



۱- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران f.alaei@alzahra.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء، (نویسنده مسئول) a.bakhtiari@alzahra.ac.ir

۳- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء، تهران f.motamad@alzahra.ac.ir

۱. بیان مسئله

بهره‌گیری از آموزه‌های صحیفه سجادیه که در قالب دعا بیان شده است، زمینه رشد و بیدارسازی انسان و جامعه را فراهم می‌نماید (فارسی‌مدان، ۱۴۰۱: ۱۳۶). دعای ۲۱ صحیفه سجادیه از جمله دعا‌های پرمحتواست که معارف و آموزه‌های آن حائز اهمیت است. امام سجاد(ع) این دعا را در هنگام اندوه و حزنی که نتیجه غفلت و اشتباه انسان به درگاه خداوند است، قرائت می‌کرد (ممدوحی کرمانشاهی، ۱۳۸۸: ۲۸۹/۲). توصیف امام سجاد(ع) از حال خود، تبیین عجز انسان در برابر خداوند متعال، بیان این که تنها پناهگاه انسان خداوند است، احساس حقارت بنده در برابر خداوند و بیان خواسته‌ها از خداوند از محوری‌ترین فرازهای این دعاست. در این دعا امام(ع) یک سلسله خواسته را در مورد آن چه موجب حزن و اندوه واقعی می‌گردد به پیشگاه خداوند عرضه داشته است و با توجه به این که خداوند را تنها مؤثر در هستی معرفی می‌نماید به بیان توحید افعالی خداوند می‌پردازد. در تمام این دعا امام خود را انسانی نشان می‌دهد که درماندگی‌اش را به درگاه الهی می‌برد و از خداوند متعال پناه می‌طلبد؛ زیرا خداوند را تنها مجرای انسان برای رسیدن به آرزوها می‌داند و به ناتوانی خود گواهی می‌دهد که نتیجه‌اش شناخت رحمت خداوند به عنوان تنها منطقه امن برای بنده است. در واقع، امام انسان را به بازنگری در اعمال و می‌دارد و با درخواست‌های مکرر برای جلب رحمت الهی، به مخاطب می‌آموزد که حتی در تاریک‌ترین لحظات، راه بازگشت به خداوند باز است و ترکیبی زیبا از ترس و امید را به نمایش می‌گذارد. بنابراین، می‌توان گفت دعای ۲۱ نه تنها یک متن عبادی، بلکه منشوری برای خودسازی، مقابله با استبداد درونی و بیرونی و احیای رابطه با خداوند متعال است. مطالعه عمیق آن، پنجره‌ای به سوی نظام فکری امام سجاد(ع) و راهکارهای ایشان برای نجات انسان از انحطاط اخلاقی می‌گشاید.

یکی از روش‌های مطالعات بین‌رشته‌ای که امروزه مورد توجه پژوهشگران علوم دینی قرار گرفته است، روش «تحلیل محتوا»^۱ است. تحلیل محتوا روشی مناسب برای تبیین دیدگاه‌ها و اندیشه‌هاست. تحلیل محتوا به عنوان «روشی پژوهشی برای استنباط معتبر و سیستماتیک از ویژگی‌های یک متن (Neuendorf, 2017, p. 10). این روش به پژوهشگر اجازه می‌دهد هم ساختار سطحی یعنی واژگانی که تکرار می‌شوند و هم ساختار عمیق یعنی الگوهای معنایی متن را بررسی کند. در این روش استخراج مقوله‌ها از متن، بدون پیش فرض صورت می‌گیرد و اساساً محقق انتظار دارد بر اساس یافته‌های محتوا، مضامین را کشف و اطلاعات را به صورت منظم طبقه‌بندی و کدگذاری کند (عزت دوست، ۱۴۰۱: ۱۷).



بنابراین، تحلیل محتوا به دو روش تحلیل محتوای مبتنی بر کمیّت و تحلیل محتوای مبتنی بر کیفیت است. به تعبیر دیگر، تحلیل محتوا تکنیکی پژوهشی است برای استنباط تکرارپذیر و معتبر از متن داده‌ها و هدف آن فراهم آوردن بینشی نو و تفسیری واقع‌گرایانه از متن است (کرپیندورف، ۱۳۷۸: ۲۵).

در این پژوهش دعای ۲۱ صحیفه‌ی سجادیه به روش تحلیل محتوای کمی و کیفی بررسی شده که مبتنی بر دو اصل کلیدی است ۱. کشف نظام‌مند مضامین پنهان در متن دعا، ۲. سنجش عینی فراوانی مفاهیم کلیدی که به موجب آن هر چه فراوانی یک مضمون بسامد بالاتری داشته باشد از نظر گوینده اهمیت آن بالاتر است (کیوی، کامپنهود، ۱۳۷۸: ۲۲۴). از این رو، در ابتدا متن دعا تقطیع و در جدول تحلیل محتوا درج می‌شود و سپس مضامین اصلی و فرعی و کد شناسه موضوعات فرعی در جدول قرار خواهند گرفت (همان: ۴۹-۵۰) و در نهایت، گروه‌بندی کدها در مقولات اصلی انجام و الگوی نهایی دعا استخراج خواهد شد. بدین ترتیب، پرسش اصلی این پژوهش آن است که دعای ۲۱ صحیفه سجادیه مشتمل بر چه موضوعاتی بر اساس روش تحلیل محتوا است؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

در خصوص روش تحلیل محتوا در صحیفه سجادیه پژوهش‌هایی با عناوین زیر صورت گرفته است: «تحلیل محتوای دعای ۲۶ صحیفه سجادیه» (فتاحی‌زاده و مطیعان‌فر: ۱۳۹۷) این پژوهش با روش تحلیل محتوا، زوایای پنهان کلام امام سجاده (ع) را بررسی کرده و آموزه‌های آن را در سه بخش زیر بیان نموده است: وظایف اختصاصی امام، وظایف اختصاصی امت، وظایف متقابل امام و امت و در نهایت نشان می‌دهد که اجرای این آموزه‌ها، زمینه‌ساز سلامت زیست اجتماعی و دستیابی به جامعه آرمانی مبتنی بر اخلاق و همدلی است.

«تحلیل محتوای دعای هفتم صحیفه سجادیه» (علائی‌رحمانی و همکاران: ۱۴۰۲) نویسندگان در این مقاله با استفاده از روش تحلیل محتوا و استخراج مقوله‌های موجود در دعای یاد شده، شیوه مواجهه صحیح انسان با بلاها و آداب دعا به درگاه خداوند متعال را شناسایی نموده‌اند. عمده فرازهای این دعا اراده و مشیت پروردگار در همه امور و فراموشی غیر خدا در سختی‌هاست.

«شرح دعای ۲۱ صحیفه سجادیه» (انصاری: ۱۳۹۷): آقای انصاری در سایت بنیاد صحیفه سجادیه اصفهان شرحی بر صحیفه سجادیه در قالب صوت ارائه داده و ظرافت این دعا را تبیین ساخته است.

«الگوی جامع تجلیل از پیامبر و اهل بیت مبتنی بر تحلیل محتوای دعای عرفه امام سجاده» (رضی بهابادی و همکاران: ۱۴۰۲): نویسندگان در این مقاله به روش تحلیل محتوا الگوی جامع تجلیل از پیامبر را



از منظر امام سجاده (ع) استخراج نموده‌اند که شامل چیستی تجلیل، ویژگی‌های تجلیل مطلوب، آثار تجلیل و معرفی تجلیل‌کنندگان است.

با توجه به آثار ذکر شده در حوزه صحیفه سجادیه نوآوری و تمرکز پژوهش حاضر بر تحلیل محتوای دعای ۲۱ صحیفه سجادیه با روش تحلیل محتوای کمی و کیفی است که صرفاً به تحلیل متن می‌پردازد و سعی دارد پیش‌فرض‌های معنایی و ذهنی مخاطب را در تحلیل دخیل نکند تا الگویی جامع از تحلیل محتوای دعای ۲۱ ارائه دهد.

۲. تحلیل محتوای دعای ۲۱ صحیفه سجادیه

این دعا سیزده فراز دارد و از نظر کلی دارای چهار بخش است. بخش اول آن به موضوع پناه بردن به خداوند در هنگام بلا می‌پردازد و به قدرت لایزال خداوند در بخشش گناهان اشاره می‌کند. در بخش دوم به موضوع نهایت خضوع در برابر خداوند پرداخته شده است و این که کسی جز او نمی‌تواند به بنده رحم کند؛ زیرا تمام اختیار بنده به دست اوست. در بخش سوم به درخواست از خداوند برای قرارگیری در مسیر اطاعت او پرداخته شده است و در بخش چهارم نیز به مسئله درخواست عدم نیاز به غیرخداوند پرداخته شده است. نویسندگان این دعا را به ۱۴ قسمت تقطیع و تعداد ۶۴ نقطه تمرکز (موضوعات فرعی) از آن استخراج کرده‌اند که در این بخش، جدول تحلیل محتوا در ذیل آورده شده است:

ردیف	متن	جهت‌گیری	موضوعات اصلی	موضوعات فرعی	کد
1	اللَّهُمَّ يَا كَافِيَ الْفَرْدِ الضَّعِيفِ وَ وَاقِيَ الْأَمْرِ الْمَخُوفِ	بیان اوصاف الهی	اعتراف به قدرت بی‌نهایت خداوند	خداوند تنها کفایت‌کننده ناتوانان است.	D1
				خداوند است. تنها نگهدارنده انسان از حوادث	D2
				است. خداوند مافوق قدرت حوادث	D3
2	أَفْرَدْتَنِي الْخَطَايَا فَلَا صَاحِبَ مَعِيَ وَ صَعُفْتُ عَنْ غَضَبِكَ فَلَا مُؤَيِّدَ لِي وَ أَشْرَفْتُ عَلَى خَوْفِ لِقَائِكَ فَلَا مُسَكِّنَ لِرَوْعَتِي	عرض حالت درماندگی به درگاه خداوند	اعتراف به قدرت بی‌نهایت خداوند	احساس تنهایی نمودن در زمانی که انسان خطاهایش را بر دوش می‌کشد.	D4
				ترس از لقای خداوند همراه گناهان	
				یاری‌دهنده انسان در مواجهه با گناهان خداوند است.	D6
3	وَ مَنْ يُؤْمِنُ بِكَ وَ أَتَتْ أَخْفَشِي وَ مَنْ يَسْأَلُنِي وَ أَتَتْ أَفْرَدْتَنِي وَ	عرض حال درماندگی به	توجه به ربوبیت و چیرگی خداوند	انسان فقط در پرتو اعانت از خداوند نیرومند خواهد شد.	D7



D8	عدم امنیت در برابر خشم خداوند		درگاه خداوند.	مَنْ يَقْوِيهِ وَ أَنْتَ أضعفْتَنِي؟	
D9	انسان بدون خداوند نصرت‌دهنده ندارد.				
D10	التماس به درگاه الهی برای امان‌بخشی به انسان	درخواست پناه از خداوند و توجه به قدرت بی‌نهایت خداوند	بیان اوصاف الهی	لَا يَجِزُّ، يَا إِلَهِي إِلَّا رَبُّ عَلَى مَرْئُوبٍ وَ لَا يُزِمُّ إِلَّا غَالِبٌ عَلَى مَغْلُوبٍ وَ لَا يَجِينُ إِلَّا طَالِبٌ عَلَى مَطْلُوبٍ	4
D11	خداوند بر بنده‌اش مسلط است.				
D12	خداوند بر بندگان‌اش غالب است.				
D13	خداوند طالب بندگان‌اش است.				
D14	تمام اسباب و وسایل دنیا فقط با اراده خداوند، سبب خیر به انسان هستند.	درخواست پناه از خداوند و تجلیل از پیامبر(ص) و اهل بیت ایشان	درخواست از خداوند	وَ يَدْرِكُ، يَا إِلَهِي جَمِيعَ ذَلِكَ السَّبَبِ وَ إِلَيْكَ الْمَقَرُّ وَ الْمَهْرَبُ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَجِرْ هَرَبِي وَ أَنْجِ مَطْلِبِي	5
D15	خداوند بر بنده‌اش مسلط است				
D16	درد بر پیامبر اسلام و خاندان مطهر ایشان				
D17	خداوند تنها مؤثر در تمام هستی است				
D18	انسان تنها در پرتو اعانت از خداوند نیرومند خواهد شد.	اعتراف به قدرت بی‌نهایت خداوند و توجه به ربوبیت و چیرگی خداوند متعال	عرض حالت درماندگی به درگاه خداوند	اللَّهُمَّ إِنَّكَ إِذْ صَرَفْتَ عَنِّي وَجْهَكَ الْكَرِيمَ أَوْ مَتَّعْتَنِي فَضْلَكَ الْجَسِيمَ أَوْ حَفَظْتَ عَلَيَّ رِزْقَكَ أَوْ قَطَعْتَ عَنِّي سَبَبَكَ لَمْ أَجِدِ السَّبِيلَ إِلَى شَيْءٍ مِنْ أَمَلِي غَيْرَكَ وَ لَمْ أَقْدِرْ عَلَى مَا عِنْدَكَ بِمَعُونَةِ سِوَاكَ فَإِنِّي عَبْدُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ نَاصِيَتِي يَدْرِكُ	6
D19	خداوند تنها برآورنده‌ی آرزوهای انسان است.				
D20	گواهی دادن به این‌که انسان ناتوان است.				
D21	خداوند بر بنده‌اش مسلط است.				
D22	قضای الهی در حق بندگان‌اش عین عدالت است.	اعتراف به قدرت بی‌نهایت خداوند و التزام به فرامین الهی	بیان اوصاف الهی	لَا أَمْرَ لِي مَعَ أَمْرِكَ مَا ضَرَفِي حَكْمُكَ عَدْلٌ فِي قَضَاؤِكَ وَ لَا قُوَّةَ لِي عَلَى الْخُرُوجِ مِنْ سُلْطَانِكَ وَ لَا أَشْطَطُ مَجَاوِزَةَ قُدْرَتِكَ وَ لَا أَشْتَمِيلُ هَوَاكَ وَ لَا أَبْلُغُ رِضَاكَ وَ لَا أَتَأَلَّ مَا عِنْدَكَ	7
D23	استطاعت یافتن بر خروج از قدرت الهی ناممکن است.				
D24	انسان قادر به جلب محبت خداوند نیست، مگر به سبب فضل او				



D25	انسان تنها در پرتو اعانت از خداوند نیرومند خواهد شد.			إِلَّا بِطَاعَتِكَ وَ بِفَضْلِ رَحْمَتِكَ	
D26	انسان توانایی رسیدن به خشنودی خداوند را ندارد مگر به سبب فضل او				
D27	تنها در پرتو اطاعت از خداوند می توان به آنچه نزد خداست رسید.				
D28	خداوند بر تمام اجزای هستی نفوذ دارد				
D29	خداوند بر بنده اش مسلط است.				
D30	اعتراف به عدم توان انسان در دفع ضرر و جلب نفع جز در پرتو قدرت خداوند			إِلَهِي أَصْبَحْتُ وَأَمْسَيْتُ عَبْدًا دَاخِرًا لَكَ لَا أَتَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَ لَا ضَرًّا إِلَّا بِكَ، أَشْهَدُ بِذَلِكَ عَلَى نَفْسِي وَ اعْتَرَفْتُ بِضَعْفِ قُوَّتِي وَ قِلَّةِ جِيلَتِي فَأَلْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي وَ تَمِّمْ لِي مَا آتَيْتَنِي فَإِنِّي عَبْدُكَ الْمُسْكِنُ الْمُسْتَكِينُ الضَّعِيفُ الضَّرِيرُ الْحَقِيرُ الْمُهِنُ الْفَقِيرُ الْخَائِفُ الْمُسْتَجِيرُ	8
D31	اعتراف به ضعف قوت و کمی تدبیر در برابر خداوند	اعتراف به قدرت بی نهایت خداوند	عرض حالت درماندگی به درگاه خداوند		
D32	اعتراف به خوار و زمین گیری انسان در مقابل خداوند				
D33	انسان تنها در پرتو اعانت از خداوند نیرومند خواهد شد.				
D34	عدم ناامیدی از خداوند در هنگام به تاخیر افتادن استجاب دعا از وظایف بندگی است.	درخواست عدم غفلت از خداوند در تمام حالات و		اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ لَا تَجْعَلَنِي نَاسِيًا لِذِكْرِكَ فِيمَا أَوَّلَيْتَنِي. وَ لَا غَافِلًا لِإِحْسَانِكَ فِيمَا أَوَّلَيْتَنِي وَ لَا آيسًا مِنْ إِجَابَتِكَ لِي وَ إِنِّي أَبْتَاطُ عَتَى فِي سَرَاءٍ كَثْرَتُ أَوْ مَرَاءٍ، أَوْ شِدَّةِ أَوْ رَخَاءٍ أَوْ عَافِيَةٍ أَوْ بَلَاءٍ أَوْ بُؤْسٍ أَوْ نَعْمَاءٍ أَوْ جَدَّةٍ أَوْ لَأْوَاءٍ أَوْ فَقْرٍ أَوْ غِنَى	9
D35	عدم غفلت از خداوند هنگام بخشش های او	تجلیل و بزرگ داشت از پیامبر(ص) و اهل بیت ایشان(ع)	درخواست از خداوند		
D36	صلوات بر پیامبر اسلام و خاندان مطهر ایشان				
D37	مختص بودن حمد و ثنا به خداوند	درخواست توفیق بندگی از خداوند و تجلیل و بزرگ داشت از پیامبر(ص) و اهل بیت ایشان(ع)		اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْ ثَنَائِي عَلَيْكَ وَ مَدْحِي إِيَّاكَ وَ حَمْدِي لَكَ فِي كُلِّ حَالَةٍ حَتَّى لَا أَفْرَحَ بِمَا آتَيْتَنِي مِنَ الدُّنْيَا وَ لَا أَخْزَنَ عَلَى مَا مَنْعْتَنِي فِيهَا وَ أَشْعُرُ قَلْبِي تَقْوَاكَ وَ اسْتَغْمِلْ بَدَنِي فِيمَا تَقْبَلُهُ مِنِّي وَ	10
D38	لزوم خالی شدن دل برای خداوند و اشتغال به ذکر او		درخواست از خداوند		
D39	صلوات بر پیامبر اسلام و خاندان مطهر ایشان				
D40	توجه به آرام بودن دل در برابر دادن ها و ستاندن های خداوند				

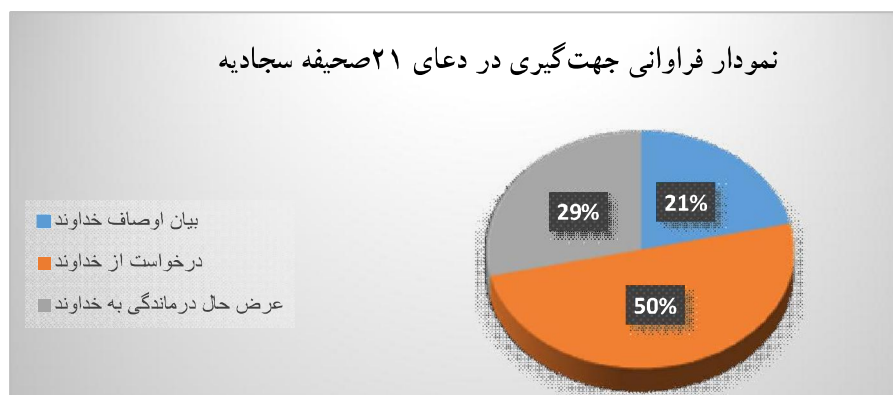


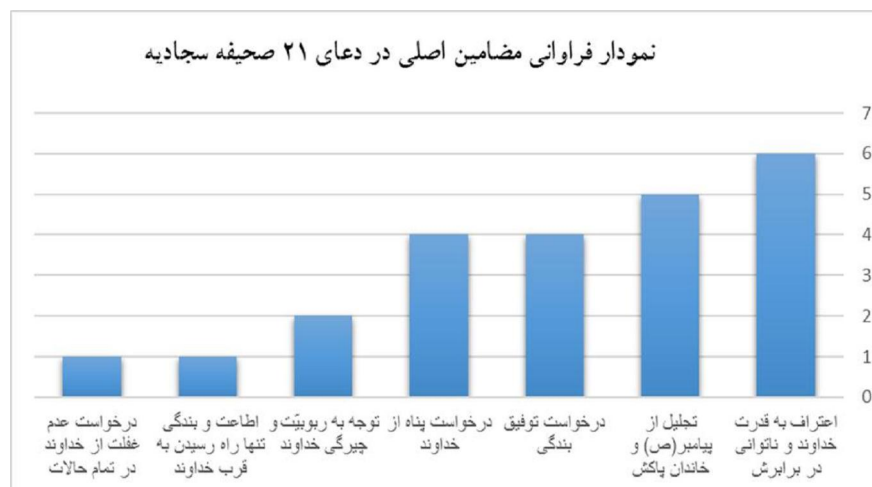
D41	درخواست توانایی برای دست‌یابی به رضایت خداوند در تمام کارها			اشْغَلْ بِطَاعَتِكَ نَفْسِي عَنْ كُلِّ مَا يَرُدُّ عَلَيَّ حَتَّى لَا أَحِبَّ شَيْئاً مِنْ سَخَطِكَ وَلَا أَشْخَطُ شَيْئاً مِنْ رِضَاكَ	
D42	تقوا لباس مومن است				
D43	صلوات بر پیامبر اسلام و خاندان مطهر ایشان				
D44	درخواست رسیدن به تقوای خداوند				
D45	تحصیل رضایت الهی با اطاعت قلبی پیوسته از او	درخواست توفیق بندگی خداوند و تجلیل و بزرگ‌داشت از پیامبر(ص) و اهل بیت ایشان(ع)	درخواست از خداوند	اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَفَرِّغْ قَلْبِي لِمَحَبَّتِكَ وَاشْغُلْ بِذِكْرِكَ وَانْعَمُهُ بِخَوْفِكَ وَبِالْوَجَلِ مِنْكَ وَ قُوَّةِ بِالرَّغْبَةِ إِلَيْكَ وَ أَمِلُهُ إِلَى طَاعَتِكَ وَ أَجْرِ بِهِ فِي أَحَبِّ السُّبُلِ إِلَيْكَ وَ ذَلَّلُهُ بِالرَّغْبَةِ فِيمَا عِنْدَكَ أَيَّامَ حَيَاتِي كُلِّهَا	11
D50	درخواست آرامش دل و بی‌نیازی از خلق به وسیله خدا و انس با نیکان				
D51	نورانیت قلب در ترس از خداوند برای انسان مهیا می‌شود.				
D52	درخواست داشتن نعمت شوق و دل‌باختگی نسبت به خداوند				
D53	درخواست رسیدن به رضای خداوند	درخواست توفیق بندگی خداوند	درخواست از خداوند	وَ اجْعَلْ تَقْوَاكَ مِنَ الدُّنْيَا زَادِي وَ إِلَى رَحْمَتِكَ رَحَلِي وَ فِي مَرْضَاتِكَ مَدْخَلِي وَ اجْعَلْ فِي جَنَّتِكَ مَثْوَايَ وَ هَبْ لِي قُوَّةَ اخْتِلَالِ بِهَا جَمِيعَ مَرْضَاتِكَ وَ اجْعَلْ فِرَارِي إِلَيْكَ وَ رَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ وَ أَلْبِسْ قَلْبِي الْوُحْشَةَ مِنْ شِرَارِ خَلْقِكَ وَ هَبْ لِي الْأُنْسَ بِكَ وَ بِأَوْلِيَايَاكَ وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ	12
D54	وحشت پیدا کردن از انس و جن در برابر				
D55	رغبت داشتن به خداوند				
D56	انسان تنها در پرتو اعانت از خداوند نیرومند می‌شود				
D57	منزلگاه آرام‌بخش هر بنده‌ای خداوند است.				



D58	عدم نیاز به فاجر کافر وقتی خداوند نعمت دهنده باشد.	درخواست پناهندگی به خداوند	درخواست از خداوند	13	وَلَا تَجْعَلْ لِّفَاجِرٍ وَلَا كَافِرٍ عَلَى مِثَّةٍ وَلَا لَهُ عِثْدِي يَدًا وَلَا بِي إِلَيْهِمْ حَاجَةٌ بَلْ اجْعَلْ سُكُونَ قَلْبِي وَأُنْسَ نَفْسِي وَاسْتِغْنَائِي وَ كِفَايَتِي بِكَ وَ بَخِيرَ خَلْقِكَ
D59	آرامش و راحتی تنها با خداوند حاصل می شود.				
D60	داشتن نعمت شوق و دل باختگی نسبت به خداوند				
D61	رسیدن به رضای خداوند در انجام افعال مورد رضایت الهی	درخواست توفیق بندگی خداوند و هم سویی با اهل بیت و تجلیل از پیامبر(ص) و اهل بیت ایشان(ع)	درخواست از خداوند	14	اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْنِي لَهُمْ قَرِينًا وَ اجْعَلْنِي لَهُمْ نَصِيرًا وَ امْنُنْ عَلَيَّ بِشَوْقٍ إِلَيْكَ وَ بِالْعَمَلِ لَكَ بِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى «إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» وَ ذَلِكَ عَلَيْكَ بِسِيرٍ
D62	خداوند بر بنده اش مسلط است				
D63	صلوات بر پیامبر اسلام و خاندان مطهر ایشان				
D64	درخواست هم نشینی و هم سویی با خاندان پاک پیامبر				

در تحلیل کمی، میزان فراوانی مقادیر موجود در جهت گیری و مضامین اصلی و فرعی است که به پژوهشگر کمک می کند تا به طور دقیق تر بتواند با مؤلفه های به کار رفته در متن آشنا شود تا در مرحله کیفی با استفاده از عناصر صحیح و مبانی درست به تحلیل پردازد (کرپیندورف، ۱۳۷۸: ۲۶)؛ لذا در ابتدای کار جهت گیری های دعای ۲۱ ترسیم شده تا مبانی اصلی آن مشخص شود:





چنانچه از نتایج تحلیل کمی بر می آید، بخش عمده‌ای از این دعا اعتراف به قدرت خداوند و تجلیل از پیامبر اسلام و درخواست از خداوند است. بدین ترتیب، به انسان توصیه شده در هنگامی که خطاها و حوادث او را آشفته و پریشان می کند به این دعا تمسک جوید و بیش از همه به قدرت خداوند در بخشش و امان‌دهی و عفو بندگان و نیازانسان به همین قدرت در زدودن خطاهایش توجه نماید. امام سجاد(ع) در این دعا انسان را متوجه قدرت بی‌نهایت خداوند در بخشش و امان‌دهی می کند خدایی که او را حتی بعد از گناه به سوی خود می خواند: (قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ) (زمر/ ۵۳) و رحمتش را به انسان یادآوری می نماید و از پیامبرش می خواهد که صریحاً «قل» پیام بشارت را به مردم برساند (قرائتی، ۱۳۸۳: ۱۸۸/۸) در این دعا امام سخن از انسانی می زند که در نهایت ضعف و نیازمندی است، در مقابل قدرتی بی‌نهایت در بی‌نهایت (انصاریان، ۱۳۸۳: ۷۱/۹) آدمی که خداوند او را شایسته‌ی مقام خلافت از جانب خویش می دانسته (بقره/ ۳۰) اما در اثر معصیت خود را از همه موجودات بیگانه کرده است و قدرت تحمل شدت غضب خداوند را نیز ندارد و اکنون امیدوارانه در صدد کسب رضایت و محبت خداوند متعال است.

۲-۲. تحلیل محتوای کیفی دعای ۲۱ صحیفه سجادیه

در این مرحله که خلاصه‌ای از یافته‌ها و ایده‌های کل فرایند پژوهش است، نویسندگان به تجزیه و تحلیل ذهنی بیشتری می پردازند. در عنوان توضیحی دعای ۲۱ چنین آمده است که: «وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ



علیه السلام إِذَا حَزَنَهُ أَمْرٌ وَ أَهَمَّهُ الْخَطَايَا». کاربرد واژه «حزن» زمانی است که فرد دچار غم و اندوه شود. البته این واژه به فتح حاء و سکون ز و ضم نون هم به کار رفته و در این صورت به معنای مکان خشن می باشد (ابن اثیر، ۱۳۹۹: ۱/۳۷۷). «خطایا» جمع خطیئه است این واژه در مورد فردی به کار می رود که معصیت و نافرمانی خدا از او سرزند (جوهری، ۱۴۰۷: ۱/۴۸).
با توجه به آنچه در تحلیل کمی این دعا حاصل شد، موضوعات اصلی را در ۳ گروه کلی می توان تقسیم بندی نمود: اعتراف به قدرت خداوند، درخواست بندگی و عدم غفلت و درخواست پناهندگی به خداوند است.

۲-۱-۲. اعتراف به قدرت خداوند

دعای ۲۱ صحیفه، خداوند را قادر مطلق و خیر محض معرفی می نماید که چیزی نمی تواند خیرش را مقید نماید مگر این که شخص، خودش استعداد افاضه و لطف خداوند را نداشته باشد و یا به سوء اختیارش، خودش مانعی در فیض رسانی به وجود آورد و آن مانع فقط گناهان است که اجازه قرب به پروردگار و لوازم قرب را به انسان نمی دهد؛ لذا ازاله و پاک شدن بار گناه تنها کلیدی است که انسان را به سر منزل کرامت می رساند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳/۱۶۰).

این دعا با این رویکرد شروع شده که امام خود را در جایگاه کسی قرار داده است که به سبب آلودگی دامنش از همه موجودات بریده و نسبت به آنها بیگانه شده است، لذا خداوند را با اوصافی همچون قدرت که جزئی از ذات اوست و ازلی و نامحدود است (قلی پور، ۱۴۰۱: ۱۵) می خواند تا درماندگی اش را به او نشان دهد و دعایش را این گونه شروع می نماید: «يَا كَافِيَ الْفَرْدِ الضَّعِيفِ وَ وَاقِي الْأَمْرِ الْمُخَوِّفِ» «واق» به معنای نگه دارنده است (طریحی، ۱۳۷۵: ۴/۵۴۱) (D2) علامه طباطبایی در توضیح این واژه می گوید: واق نگه دارنده ای است که جز خدا نمی تواند باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱/۳۷۳). در این جا امام به جنبه توحید افعالی خداوند اشاره می کند و هیچ موجودی را از او مستقل نمی داند و همه مخلوقات را تحت نظر مدبری واحد معرفی می نماید و گوشزد می کند که اگر انسان آسیب پذیر، به منبع الهی وصل شود خداوند او را از شر موانع نگران کننده حفظ می کند (ممدوحی کرمانشاهی، ۱۳۸۸: ۳/۲۹۰)؛ به این معنا که همان گونه که هیچ منتقمی جز خداوند نیست (D3) او تنها نگه دارنده و حافظ انسان از حوادث هم هست (D2) به همین سبب، امام در ادامه می فرماید: «أَفَرَدْتُي الْخَطَايَا فَلَا صَاحِبَ مَعِيَ»؛ یعنی اگر معصیتی انجام نمی دادم، عنایت تو ای خدای من همراهم بود (D4) و رفیقانی از ملائکه و خوبانت برایم قرار می دادی؛ اما اکنون که گناه مرتکب شدم، تو خودت را از من جدا



نمودی و مرا از لقای خودت خائف کردی (D5) پس دیگر در این ترس کسی نمی‌تواند کاری برایم انجام دهد (مدرسی چهاردهی، ۱۳۶۰: ۳۷۹/۱) (D6). شاید به گونه‌ای دیگر نیز بتوان کلام امام را تعمیم داد و آن این است که کسی نمی‌تواند بار گناه دیگری را به دوش کشد و امام این فراز را با توجه به آیه (وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى) (فاطر / ۱۸) بیان نموده است.

امام قدرت خداوند را به گونه‌ای به تصویر کشیده که با آن که ملاقات او بزرگ‌ترین و مطلوب‌ترین لذات است، اما چون با وجود خطاهایش بدون یاری خداوند برایش نصرت‌دهنده‌ای نیست (D9) پس، ترسش از این ملاقات تسکینی ندارد؛ لذا می‌فرماید: «أَشْرَفْتُ عَلَى خَوْفٍ لِقَائِكَ فَلَا مُسَكِّنَ لِرَوْعَتِي» (قهپایی، ۱۳۷۴: ۳۴۸). ممکن است عده‌ای این شبهه را مطرح نمایند که انسان در فعل خویش صاحب اختیار است و اگر خداوند دست انسان را ببندد و نفس او را به حال خود باز نگذارد، جبر به وجود خواهد آمد. به این شبهه این گونه باید پاسخ داد که مقصود امام این است خدا با من با اختیار خود گناه کردم، پس مرا با اختیارم تنها مگذار و موانع بندگی را رفع کن تا نفسم اعمال خیر را انجام دهد و در زمان لقای تو هراسناک نباشم (اردکانی یزدی، ۱۳۸۸: ۲۶۶)؛ زیرا از آنجایی که موثر اصلی در تمام شئون خلق خداوند است و انسان نیز موجودی ضعیف آفریده شده است (نساء / ۲۸) در مقابل این ضعف امام قدرت خداوند را به گونه‌ای ترسیم می‌نماید که کسی از عقاب او به انجام فعل اختیاری در امان نیست (D8) لذا می‌فرماید: «وَمَنْ يُؤْمِنُ بِمَوْلَاكَ وَ أَنْتَ أَخَفَّتَنِي... وَ مَنْ يُقَوِّنِي وَ أَنْتَ أَصَعَفْتَنِي» در واقع، امام به این موضوع مهم اشاره می‌فرماید که آدمی در دنیای مادی ایمنی ندارد و لحظه‌ای غفلت از خویش او را دچار زخمی عمیق خواهد کرد (D9) مگر در شرایطی که این موجود ضعیفی که به ضعف‌های خود آگاهی دارد که البته همین ضعف‌ها جزئی از ذات آفرینش او است خودش را در پناه خزانه مهر و قدرت خداوند قرار دهد (D32).

در ادامه حضرت به این مهم اشاره می‌نماید که «اللَّهُمَّ إِنَّكَ إِنْ صَرَفْتَ عَنِّي وَجْهَكَ الْكَرِيمَ... فَإِنِّي عَبْدُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ نَاصِيَّتِي بِيَدِكَ» که خود را انسانی دارای اختیار-معرفی می‌نماید که به ناتوانی‌اش در برابر قدرت مطلق خداوند گواهی می‌دهد (D20) و ایمان دارد که او بر بنده‌اش مسلط است (D21). بنابراین، اگر مقرر هر بیچاره‌ای تنها خداوند باشد و تنها عاملی که سبب فرار و گریختن انسان می‌شود، نیز خداوند باشد برای بنده چاره‌ای به جز خداوند نمی‌ماند (ممدوحی کرمانشاهی، ۱۳۸۸: ۲۹۹/۲) و از «ناصیه» که امام در این عبارت به کار برده‌اند به معنای رستنگاه مو است و در اینجا کنایه است از مالکیت خداوند نسبت به انسان است (تنکابنی، ۱۳۸۴: ۱۸۰). این مسئله یکی از مهم‌ترین مبانی نظام توحیدی



است که در جای جای قرآن تجلّی یافته است و منشأ آموزه‌های اعتقادی و رفتاری انسان است که اگر از آن به درستی ابهام‌زدایی شود، می‌تواند تمام نظام‌های مبتنی بر نادیده گرفتن خداوند را به چالش بکشد و سبب اصلاح بینش‌ها در عرصه‌های مختلف شود؛ در حالی که مکاتب رایج دنیای امروز با توجه به این‌که منکر خالقیت خداوند نیستند، اما مهم‌ترین شأن خالقیت، یعنی مالکیت خداوند را نادیده می‌گیرند و انسان را صاحب اختیار عالم قلمداد می‌کنند (زرشناس، ۱۳۸۴: ۳۸).

در ادامه امام می‌فرماید: «لَا أَمْرَ لِي مَعَ أَمْرِكَ..... وَ لَا قُوَّةَ لِي عَلَى الْخُرُوجِ مِنْ سُلْطَانِكَ» به این معنا که استطاعت یافتن بر خروج از قدرت خداوند برای انسان غیر ممکن است (D23) و آدمی در مقابل خداوند مطیع محض و تام است و فرمان‌پذیری تنها راه رسیدن به درجات قرب خداوند است (D27) و رشد و بالندگی انسان وابسته به تطبیق حرکتش با حرکت تکوینی هستی است (ممدوحی کرمانشاهی، ۱۳۸۸: ۳۰۳/۲) که این میسر نخواهد شد جز در سایه تربیت الهی انسان که به‌روشنی در کلام امام دیده می‌شود؛ آن‌جا که می‌فرماید «لَا أَسْتَطِيعُ مُجَاوَزَةَ قُدْرَتِكَ» و به‌صراحت می‌نمایاند که خداوند بر تمام اجزای هستی نفوذ دارد (D28)؛ لذا با توجه به این نفوذ باید کمی اندیشید که درست است خداوند جبران‌کننده ضعف‌های ما خواهد بود (D26)، اما اگر دچار خطایی شدیم که خداوند سبب ضعف ما شود، دیگر هیچ راهی برای جبران آن ضعف نخواهد بود و خداوند نور هدایت را از انسان خواهد گرفت و انتخاب‌ها و عملکردهای انسان برایش منفعت نخواهد داشت. در این صورت، هیچ راه درمانی نیز برای انسان نخواهد ماند (D23). دقیقاً به همین دلیل است که در ادامه می‌فرماید: «وَلَا أَتَأَلَّ مَا عِنْدَكَ إِلَّا بِطَاعَتِكَ»؛ گویا امام در ابتدا عبادت را وسیله کرده است برای رسیدن به آن‌چه خداوند وعده داده است (D27)، اما در مقابل نعمت‌های بی‌نهایتی که در زندگی ابدی به ایشان می‌رسد، آن هم به لطف خداوند، این اعمال را بسیار اندک و ناچیز می‌داند (فهری زنجانی، ۱۳۸۸: ۳۴۴/۲). بنابراین، با توجه به این‌که تنها راه رسیدن به رضوان و نعیم و قرب به خداوند فرمان‌پذیری است؛ اما فرمان‌پذیری آن نیست که انسان خود را مکلف به انجام کارهای قراردادی و فیزیکی کند. اطاعت یعنی انسان خود را با کارگاه نظام هستی هم‌سو کند. از منظر امام (ع) تخلف از خداوند همان تخلف از امور تکوینی است که نتیجه آن محرومیت از ظرفیت‌های عظیمی است که منشأ آن قدرت الهی است. در صورت گناه راه دریافت ذخایر ارزشمند جهان برای انسان بسته خواهد شد و این به آن معناست که «رسیدن به کمالات بدون اطاعت از قدرتی که محور اصلی است، میسر نخواهد شد» (تنکابنی، ۱۳۸۴، پیشین: ۱۸۱).



بر این اساس، در فراز هفتم دعا امام می‌فرماید: «الْهَى أَصْبَحْتُ وَ أَمْسَيْتُ عَبْدًا ذَاخِرًا لَكَ» که به خواری و زمین‌گیری انسان در برابر خداوند اشاره می‌کند (D31) که باید در برابر عظمت حیرت‌انگیز، خضوع از خود نشان دهد و بقا و وجود و محو و فناى خود را تنها در پناه جستن به او جست و جو کند تا از طریق برقراری ارتباط وجودی با او به قدرتی غیرقابل زوال تبدیل شود (D26)؛ از این‌رو، در ادامه می‌فرماید: «لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا بِكَ» این عبارت امام بینامتنیت صریح به آیه «قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ» (اعراف / ۱۸۸) دارد که نشان می‌دهد انسان‌هایی که ایمانشان بیشتر است، نسبت به تکلیف و خواست خداوند بیبشتر تسلیم هستند و در مقابل این قدرت عجز بیشتری دارند (قرائتی، ۱۳۸۳: ۲۳۹/۳) و همه سود و زیان‌ها را مختص به خداوند می‌دانند (D30). اما این موضوع متفاوت است از آن‌چه که اشعری‌ها می‌گویند که انسان در افعال خود مجبور است و اختیاری ندارد و ایمان و کفر و نفع و ضرر همه مختص به خداست؛ زیرا قوت انجام امور در اختیار انسان است اما بنده در مقابل خالق باید لا شئ محض باشد (مدرسی چهاردهی، ۱۳۶۰: ۳۸۴/۱)؛ یعنی هر چه انسان خود را در مقابل عظمت خداوندی (که الگویی است بدون زوال) ناتوان ببیند (D31)، تلاشش را برای اتصال به کمال حقیقی خواهد نمود که نشان از معرفت و آگاهی او نسبت به علم نامتناهی خداوند است، همان‌گونه که امام در عبارات بعد به زیبایی آن را جلوه می‌دهد: «فَإِنِّي عَبْدُكَ الْمُسْكِينُ الْمُسْتَجِيرُ الضَّعِيفُ الضَّرِيرُ الْخَفِيرُ الْمُهِنُ الْفَقِيرُ الْخَائِفُ الْمُسْتَجِيرُ».

شاید در ابتدا انسان خام‌اندیش تصور کند که ضعف نشان دادن و تکرار آن انسان را سست می‌کند، اما باید گفت قدرت بدون خداوند، پایان‌پذیر و متناهی است و قدرت اصلی تنها با منبع اصلی آن به دست خواهد آمد (D33) با چنین بینشی است که حوزه‌های جهان‌شناسی، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی آدمی دگرگون می‌شود و خود و تمام امورات اطرافش را در ارتباط با مالک حقیقی می‌بیند (اسماعیلی، روحی، ۱۴۰۲: ۱۶) ولی اگر الگوی کمال انسان ساختگی و مجازی باشد، خضوع در برابرش به دلیل داشتن محدودیت‌های بی‌شمار پایان‌پذیر خواهد بود (انصاریان، ۱۳۸۳: ۹۰/۹)؛ لذا اگر وجود خداوند به عنوان قدرت پایان‌ناپذیر هستی پذیرفته شود، انسان نمی‌تواند خودش و دیگری را مالک سود و زیان خود بداند. وقتی انسان تمام وجودش را ملک خداوند و وابسته به آن وجود لایزال بداند، دیگر تابع بینش‌های غلط نخواهد بود و چون خود و جهان را متأثر اراده حضرت حق می‌داند، تمام افکارش خدا محور می‌شود. از آثار تربیتی این نوع اندیشه، سخن گفتن عارفانه امام عارفان با خداوند است که سبب شد بعد از شهادت سید الشهدا(ع) آن‌چنان پر صلابت دستگاه اموی را متزلزل نماید.



۲-۲-۲. درخواست از خداوند

یکی از پربسامدترین و مهم‌ترین شاخصه‌های دعای ۲۱ صحیفه درخواست از خداوند است و مطابق تحلیل محتوای کمی مهم‌ترین آن درخواست توفیق بندگی است که زیباترین جلوه از آداب دعاست که انسان به ضعف قدرت خود پی می‌برد و به آن اعتراف می‌نماید و به سبب این اعتراف در تلاش است که از خداوند امان طلب نماید و به دنبال طلب بندگی و عدم غفلت از اوست.

۱-۲-۲-۲. درخواست پناهندگی به خداوند

اقتضای دعا درخواست کردن از خداوند است و اصلی‌ترین مقوله در دعای ۲۱ صحیفه سجادیه دعا به درگاه الهی برای درخواست کردن از اوست. در این مقوله از دعا به بیان امام تنها امان‌بخش بی‌منت، خداوند است که دعا و تصرّع به درگاهش سبب خودباوری الهی او می‌شود. عبارت «لَا يُجِيرُ، يَا إِلَهِي، إِلَّا رَبُّ عَلَى مَرْئُوبٍ» نشان‌دهنده این است که امان‌دهنده غیر خداوند هیچ نفعی برای انسان نخواهد داشت و تنها مؤثر در تمام شئون وجود، خداوند است، کسی که سبب به تپش درآمدن قلب انسان می‌شود و خون و عروق انسان را به گونه‌ای دقیق با یکدیگر به فعالیت وا می‌دارد و از این نظم حاکم در وجود انسان محافظت می‌نماید. ربوبیت تکوینی پروردگار عالم است که بر بندگانش مسلط است و خرد و کلان هستی را شامل می‌شود (D11) و تنها اوست که طالب بندگانش است (D13).

در ادامه حضرت می‌فرماید: «وَلَا يُؤْمِنُ إِلَّا غَالِبٌ عَلَى مَغْلُوبٍ» واژه «غالب» به معنای یک فرد دارای اسلحه نسبت به انسان بدون وسیله دفاعی نیست؛ بلکه به معنای تسلط و محافظت خداوند به تمام مراتب هستی است همان‌گونه که می‌فرماید: «وَلَا يُؤْمِنُ إِلَّا غَالِبٌ عَلَى مَغْلُوبٍ» (ممدوحی کرمانشاهی، ۱۳۸۸: ۲/۲۹۵) و به واسطه همین غالبیت است که خداوند ما را در زیر پرچم حمایت و امنیت خود حفظ می‌کند. امام صادق (ع) می‌فرماید: غالبیت خداوند یعنی «خداوند آن‌جا که از هیچ منجی خبری نیست؛ نجات می‌دهد و آن‌جا که فریادرسی نیست به فریاد می‌رسد» (مجلسی، ۱۳۱۵: ج ۳/۴۱). لذا غالبیت خداوند به معنای غالبیت در عالم وجود است که انسان را به‌طور مطلق به درگاهش وابسته می‌کند و به دلیل همین نیازمندی باید مطیع محض او بود تا او هم پناه و دوی دردهای انسان شود؛ چرا که در عبارت بعد امام به این موضوع اشاره می‌فرماید که تمام اسباب با پروردگار عالم پیوند می‌خورد: «يَبْدِكَ يَا إِلَهِي جَمِيعُ ذَلِكَ السَّبَبِ وَ إِلَيْكَ الْمَفَرُّ وَ الْمَهْرَبُ» وقتی تمام نظام علی و معلولی در قبضه قدرت باری تعالی باشد، پس همه چیز با قدرت حمایتی خداوند سبب خیر و نفع رساندن به انسان هستند (D14). معارفی که در این فراز آمده برگرفته از آموزه‌های قرآنی است و به این آیه اشاره می‌کند که (قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ



تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ يَبْدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (آل عمران / ۲۶). این التماس امام به درگاه خداوند از تاریکی نقص درون انسان پرده برمی دارد. امام در دعای خود این درس را می دهد که انسان می تواند در گفت و گو با خداوند ترس خود را از قطع اسباب خیر از جانب خداوند بیان نماید (D17) (خلجی، ۱۳۸۳: ۴۵۸/۲).

اگر انسان بتواند خودش را کنار بگذارد و ربوبیت خدا را در همه چیز ببیند، حتی شرور موجود در عالم خلق، سبب خیر رسانی به او خواهند شد. تمام تضادها به این دلیل در عالم، قرار داده شده اند که انسان خود را از ترس آن ها در پناه خداوند قرار دهد و از این طریق گوهر وجودی او شکوفا شود؛ چون هدف اصلی خلقت انسان، رسیدن به سعادت است. اگر در انسانی ایمان به غالبیت پروردگار، پویا باشد دگرگونی های درون او به سوی مطلوب پیش خواهد رفت. قرآن می فرماید: (وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا) (طلاق / ۲) (D17)؛ اما مشکل اینجاست که اسباب دنیوی حجاب هایی هستند بر سر راه دیده شدن مسبب اصلی عالم که در زمان دریده شده حجاب ها خود را خواهد نمایاند و آنچه که انسان ها نسبت به آن در حجاب بوده اند، مشاهده خواهند نمود (فهری، ۱۳۷۵: ۴۰۳-۴۰۴). البته باید به این مهم توجه نمود که پناه بودن خداوند برای بندگان و یا سود و زیان رسانی به آن ها یا ایمنی بخشی و رهاسازی آن ها با نظام علی و معلولی حاکم بر عالم مادی منافاتی ندارد و دلیل بر نفی فاعلیت انسان نیست، لذا قرآن می فرماید: (إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا) (انسان / ۳). این جمله اشاره دارد به رابطه وجودی خداوند با جهان هستی که تمام پدیده های عالم در حدوث و بقا قائم به اویند (عبودیت، ۱۳۸۹: ۲۴۹). طبیعی است که اگر ربوبیت خداوند نباشد، هویت وجودی عالم متلاشی خواهد شد. بنابراین، این خداوند است که آدمی را در زیر لوای حمایت خود حفظ می نماید و اعتقاد به مالکیت حقیقی و نکوینی خداوند است که سبب پناهندگی به او می شود که امام در ادامه به آن اشاره می فرماید: «أَجِزْ هَرَبِي وَ أَنْجِجْ مَطْلَبِي»؛ لذا باید توجه داشت اگر باورهای آدمی غیر واقعی و باطل باشند خط و مشی گرایش ها و باورهای او در زندگی اش غلط خواهد بود. اگر مفهوم پناهندگی به خداوند در جان انسان پیاده شود، سبب تحکیم اراده او خواهد شد؛ همان گونه که قرآن نیز نشان می دهد انبیا نیز در برابر مسائل طاقت فرسا خود را زیر لوای خداوند قرار می دادند (انبیا / ۸۳-۹۰) و به این سبب منبع قدرت خود را مشخص می نمودند.

نوع دیگری از پناهندگی به خداوند زمانی است که آدمی با قضایایی مواجه شود که از کنترل عادی زندگی او خارج است و بیرون از اراده اوست و انسان قصد فرار می کند. امام (ع) به این موضوع اشاره می فرماید: «واجعل فراری الیک» امام مسئله بنیادینی را آموزش می دهد که منزلگاه آرام بخش هر بنده ای



برای رسیدن به عافیت، پناه خداوند است (D56)، خداوندی که قیومیت بنده پناهنده به خودش را تقبل می‌کند او را از گرداب هلاکت بیرون خواهد کشید و همه امور او را ربوبیت خواهد کرد و قطعاً در این صورت لباس ضعف و ذلت از تن آدمی کنده می‌شود. درحالی‌که هیچ کدام از علل مادی به این شکل نخواهد بود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵۳۹/۱۹) به همین سبب امام می‌فرماید: «وَلَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ وَلَا كَافِرٍ عَلَى مِثَّةٍ». در این فراز، امام مرز بین ایمان و کفر را مشخص می‌نماید که در جان انسان نهاده شده است و اگر مسلمانان تا این سطح از کافران بی‌زاری خود را نمود می‌دادند، هرگز بر مسلمانان چیره نمی‌شدند (نساء/ ۱۴۱) که البته عکس این در جوامع امروزی مشاهده می‌شود. لذا در پایان این فراز امام مسیر ایمان را به‌روشنی بیان می‌نماید «اجْعَلْ سُكُونَ قَلْبِي وَأُنْسَ نَفْسِي وَاسْتِغْنَائِي وَكَفَايَتِي بِكَ»؛ پس پناه بردن به خدا یعنی پناه به قوانین او در فقه، اخلاق و فطرت که سبب می‌شود چشمان نسبت به زیبایی‌های الهی که مدام در حال افاضه شدن به تمام هستی و عالم وجود است، باز شود. امام به انسان گرفتار می‌آموزد که به هر جا رود در امان نخواهد بود و تنها مقصد سرگشتگان برهوت دنیا، کوچ کردن به منزلگاه کرامت خداوند است (D58) و خودباوری از طریق پناهندگی به خداوند و پیوند انسان با آن وجود لایزال به دست می‌آید تا بتواند از این طریق راه و بیراهه را تشخیص دهد (انصاریان، ۱۳۸۳: ۸۳)؛ زیرا از آنجایی که آفرینش بر سلطه او می‌چرخد و شکافنده ظلمت‌های نیستی با انوار وجود است زمانی که رشته هر سببی بریده می‌شود تنها او گره‌گشایی خواهد کرد.

۲-۲-۲. درخواست بندگی و عدم غفلت

یکی دیگر از مقوله‌های اصلی دعای ۲۱ صحیفه سجادیه درخواست بندگی و عدم غفلت از خداوند است. یکی از نقاط برجسته در این دعا بندگی است تا انسان بتواند به نیاز فطری خود پاسخ دهد و با محکم نمودن پیوند اتصالش با خداوند و شکستن خود حیوانی‌اش به جان و عمق بندگی برسد. امام در ابتدای فرازهای هشتم، نهم، دهم و سیزدهم به دلیل اهمیت این موضوع سخن خود را با صلوات بر پیامبر(ص) و خاندان پاکش شروع می‌نماید (D39، D48، D43، D68، D36) که تلاشی است برای تبیین جایگاه اهل بیت و نشان دادن این تعظیم و تجلیل به مردم و این که مقدمه‌ای باشد تا بتواند محبت پروردگار را به دست بیاورد و عنایت او را معطوف به خویش نماید. لذا می‌فرماید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ لَا تَجْعَلْنِي نَاسِيًا لِذِكْرِكَ فِيمَا أُولَيْتَنِي»؛ این عبارت نشان می‌دهد که فراموشی و غفلت از بخشش‌های خدا سبب می‌شود تا انسان تنها ظاهری از زندگی دنیا را درک کند و به باطن و حقیقت آن رهنمون نشود (D35) چرا که توجه به فراخی نعمت سبب استکبار آدمی و غفلت از دهنده اصلی خواهد شد و به همین



سبب است که امام از انسان می‌خواهد از نعمت فراوان نیز باید به خدا پناه ببرد (ممدوحی کرمانشاهی، ۱۳۸۸: ۳۰۹/۲) و از مواهب خداوندی در مسیر معرفت‌افزایی استفاده نماید نه این‌که فقط در راه تورم خود طبیعی و حیوانی‌اش از جود و احسان پروردگار خود را متعم کند؛ لذا می‌فرماید: «حَتَّى لَا أَفْرَحَ بِمَا آتَيْتَنِي مِنَ الدُّنْيَا، وَلَا أَحْزَنَ عَلَى مَا مَنَعْتَنِي فِيهَا، وَأَشْعُرُ قَلْبِي تَقْوَاكَ». در این عبارت امام بیان می‌دارند که خداوند در دادن و ستاندن و در رساندن سختی‌ها به انسان در برنامه تربیتی خویش نکات مهمی برای بنده قرار داده است که بدانند حتی در گرفتاری‌هایی که در زندگی به او می‌رسد، نعمتی از جانب خداوند به او خواهد رسید و با غفلت از خداوند، انسان از خوانش صفحات کتاب هستی چه در حوزه طبیعت و چه در حوزه انسانیت نتیجه مطلوب را نخواهد گرفت و متوجه وظیفه خود نخواهد شد. از این‌رو، امام از این عبارت زیبا استفاده می‌نماید که «وَأَشْعُرُ قَلْبِي تَقْوَاكَ وَاسْتَعْمِلْ بَدَنِي فِيمَا تُثَبِّلُهُ مِنِّي»، تقوا یعنی پرهیز از خواهش‌های نفس (طریحی، ۱۳۶۲: ۴۴۹/۱) و از آثار آن اهداء است. اما امام از آن به‌عنوان جامه نام برده‌اند، یعنی خدایا پرهیزگاری را بر من پوشان (D41). علامه طباطبایی درباره نوع ارتباطی که بین هدایت و تقوا وجود دارد می‌نویسد: متقین به دو شکل هدایت می‌شوند. هدایت قبل از تقوا که از طریق فطرت سلیم برای انسان به دست می‌آید و هدایت بعد از تقوا که از طریق خداوند برای انسان صورت می‌پذیرد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵۱۷/۱۹).

با توجه به این‌که آن‌چه در آسمان و زمین است به حکم عبودیت، تحت امر خداوند هستند و این انقیاد و لزوم طاعت به‌گونه‌ای است که از احاطه امر خداوند خارج نیست، به همین سبب امام تقوا را به‌عنوان لباس روح از خداوند درخواست می‌کند و در ادامه از خدا می‌خواهد که جسمش نیز در راهی خرج شود که مقبول خداوند باشد و بعد شروع به برشمردن آثار تقوا می‌کند که اگر روح انسان لباس تقوا بپوشد و جسمش مقبول خدا باشد آن‌گاه با قرار گرفتن در گردونه طاعت از اندیشه غلط جدا می‌شود (D37). چیزی که خدا نمی‌پسندد، نخواهد پسندید (D40) و قلبش جایگاه مهر خداوندی خواهد بود (D38) و این یعنی خالی شدن دل برای خداوند و اشتغال به ذکر او (D30) و در ضمن آن تحصیل رضایت الهی با اطاعت پیوسته برای انسان حاصل می‌شود (D34) در برابر تمام دادن‌ها و ستاندن‌ها در آرامش درون انسان خللی به وجود نخواهد آمد (D39). در فراز بعد امام می‌فرماید: «وَقَرَعَ قَلْبِي لِمَحَبَّتِكَ وَاشْعَلَهُ بِذِكْرِكَ وَانْعَشَهُ بِخَوْفِكَ وَبِالْوَجَلِ مِنْكَ». نکته قابل توجه این است که در فراز نهم و دهم تمام عنایت خاص حضرت به قلب است و در نتیجه درخواست‌ها و تمایلاتشان را از خداوند فقط در حیطه قلب و جایگاهش مطرح می‌نمایند. تا این‌که بفهمانند ارزش انسان در گرو همان چیزی است که مالک قلب



اوست (ممدوحی، ۱۳۸۸: ۳۱۴) قرآن درباره این مورد توصیه صریح دارد و می‌فرماید: (يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ * إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ) (شعرا / ۸۸ - ۸۹)؛ لذا قلب انسان ظرفی است که تمام حقیقت آدمی به آن بستگی دارد و ارزشش بسته به ارزش آن است و رضایت الهی نیز با اطاعت قلبی پیوسته از او حاصل می‌شود (D44) و در این شرایط است که قلب انسان تقویت (D46) و آرام می‌شود (D48)؛ به همین دلیل امام تقوا را به عنوان ذخیره عمر از خداوند می‌خواهد «وَاجْعَلْ تَقْوَاكَ مِنَ الدُّنْيَا زَادِي وَ إِلَي رَحْمَتِكَ رَحْلَتِي وَ فِي مَوْضَاتِكَ مَدْخَلِي» که نشان می‌دهد انسانی که در دنیا به دنبال سرمایه‌های بزرگ و ارزشمند است از دیدگاه امام آن سرمایه باید تقوا باشد که هدف و برنامه مهم در سفر زندگی است؛ زیرا خداوند تمام این هستی را برای انسان (بقره / ۲۹) و انسان را برای عبادت و بندگی آفرید (ذاریات / ۵۶). بنابراین ارزش انسان به کارهایی است که انجام می‌دهد و هر چه هدف او بزرگ‌تر باشد، قطعاً ارزش کاری که برای رسیدن به آن هدف انجام می‌دهد، بالاتر خواهد بود (صدوق، ۱۴۱۳ق: ۶۶). اگر آدمی زیباترین هدف هستی را انتخاب کند، ولی راه اشتباهی برای آن بپیماید از آن هدف دورتر خواهد شد (برقی، ۱۳۷۱ق: ۱/ ۱۹۸). انسان برای بندگی کردن باید مسیر و راه حرکت به سوی خداوند را بداند و هر چه شناخت از خداوند بیشتر شود، تلاش برای پیدا کردن مسیرهای بندگی بیشتر خواهد شد و خداوند این راه را برای کسانی که در این راه تلاش می‌کنند، روشن خواهد نمود: (وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا) (عنکبوت / ۶۹).

در ادامه امام می‌فرماید: «لَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ وَلَا كَافِرٍ عَلَى مَنَّةٍ وَلَا لَهُ عِنْدِي يَدًا وَلَا بِي إِلَيْهِمْ حَاجَةٌ»؛ فاجر مطلق معصیت‌کار است (مدرسی چهاردهی، ۱۳۶۰: ۲۸۸). امام در این فراز به ترسیم دو افق پرداخته‌اند. عزت و بلندای روح انسان مؤمن را نشانه تجلی بزرگواری در او دانسته‌اند و فاجر و کافر را در افقی دیگر. لذا از دیدگاه امام بخشش نعمت‌های بزرگ از جانب بزرگان نیکوست همان گونه که خداوند بر همه‌ی انسان‌ها منت نهاده و نعمت‌های فراوانی را در حوزه تکوین و تشریع به آن‌ها عطا نموده است. یکی از منت‌های خداوند این است که بر کفار از مسلمانان هیچ بهره‌ای از ناموس و جان و مال نیست؛ زیرا به بیان امام خداوند عزت و شرافت را در تقوا و ولایت و دین‌محوری مقرر فرموده است و هرگونه راه نفوذ کفار بر مسلمان‌ها حرام است. لذا نباید با القاء شیطان و احساس ضعف و از خود بیگانگی، عزت مسلمان به باطل فروخته شود (D57) تا مرز بین حق و باطل روشن و ماندگار بماند.

در توضیح این فراز باید گفت که عزت و ذلت ضوابطی دارد که امام از ابتدای دعا به بیان آن‌ها پرداخته‌اند. مانند اطاعت (D27)، عدم غفلت (D35)، گسست از غیر خدا (D38)، انس با اهل بیت (ع)



که در سرتاسر دعا دیده می‌شود (D36، D42، D47)، آرامش در برابر دادن و ستاندن (D39) و طوق بندگی خدا را بر گردن نهادن (D44) در مقابل اسباب ذلت را می‌توان اعلام نیاز به کافران و دوستی با آن‌ها؛ اخلاق ناپسند، سلطه‌پذیری و تجمل‌پرستی دانست. پیوند ذاتی «گفتار» و «کردار» در انسان، نه تنها مبنای فطری آرامش فردی است؛ بلکه در سیره امام، به مثابه الگویی جامع از «بندگی» تعریف می‌شود که با عبور از گزاره‌های کلیشه‌ای عبادت، بندگی را در شبکه‌ای از مفاهیم به هم پیوسته معرفی می‌نماید که فرایندی متشکل از آسیب‌پذیر بودن انسان، نیاز به اصلاح درونی داشتن و وابستگی و پناهندگی به خداوند است.

امام فراز پایان دعا را با صلوات بر پیامبر اسلام و خاندان پاک ایشان شروع می‌نماید و درخواست هم‌نشینی با آن‌ها را دارد که نشان می‌دهد هم‌سوایی با خاندان عترت سبب سعادت انسان می‌شود. قرآن درباره لزوم این هم‌جواری می‌فرماید: (وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا) (نساء / ۶۹). باید برای رسیدن به این سنخیت تلاش کرد و به همین دلیل است که در انتها امام می‌فرماید: «وَ اهْتَفْتُ عَلَى بِشَوَقٍ إِلَيْكَ وَ بِالْعَمَلِ لَكَ بِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى»؛ زیرا هم جهت بودن با خاندان عترت سبب خواهد شد که شوق انسان متوجه خداوند باشد (D59).

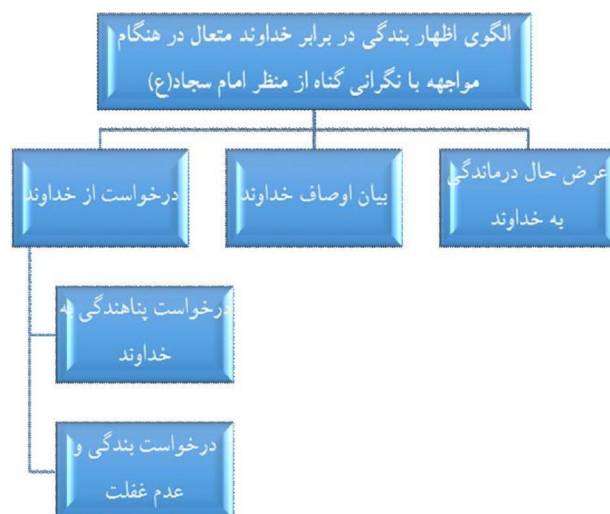
۳. نتیجه‌گیری

در این پژوهش، تلاش شد با استفاده از یک روش متن‌محور و بین‌رشته‌ای، به تحلیل محتوای دعای ۲۱ صحیفه سجادیه جهت استخراج الگوی حاکم بر آن پرداخته شود. در این راستا، می‌توان نتایج ذیل را ذکر کرد: ره‌آورد مطالعه دقیق این دعا بیان‌گر آن است که روش تحلیل محتوا در بررسی دعا‌های صحیفه سجادیه بسیار کارآمد است و موضوعات مختلف مندرج در دعاها را در نظام و چارچوبی هماهنگ بیان می‌سازد. موضوعات اصلی این دعا به ۳ گروه: اعتراف به قدرت خداوند، درخواست بندگی، درخواست امان‌بخشی و پناهندگی به خداوند تقسیم شدند که می‌توان آن‌ها را محوری‌ترین اصول حاکم بر دعا دانست. پژوهش حاضر نشان داد که دعای ۲۱ صحیفه نیایش را به الگویی کاربردی برای مدیریت بحران‌های اخلاقی همچون احساس گناه در زندگی انسان معاصر تبدیل کرده است. این دعا، بازتعریف هویت انسان حول محور بنده بودن و عبودیت است. در ابتدا امام با اشاره به ضعف‌های انسان نشان می‌دهد اعتراف به ضعف انسان در مقابل قدرت خداوند پیش‌نیاز ضروری برای تقرب به خداوند متعال است و درماندگی انسان که حاصل ضعف اوست می‌تواند، زمینه‌ساز تحوّل اخلاقی باشد. در مرحله بعد،



امام نشان می‌دهند پناه‌جویی به خدا یک فعل آگاهانه و مبتنی بر انتخاب است و بندگی که در ادامه پناهندگی برای انسان متجلی می‌شود همان تعهد عملی است که حلقه واسطه بین اعتراف به ضعف انسان و نجات او است که الگویی کامل در تربیت دینی می‌باشد.

در انتها امام سجاده (ع) عبور از غفلت را راهی می‌داند تا انسان بتواند کمال مطلق و قدرت بالذات را بشناسد و با محکم نمودن پیوند اتصالش با خداوند و شکستن خود حیوانی‌اش به جان و عمق بندگی نائل آید.



فهرست منابع:

- قرآن کریم.
- صحیفه سجادیه. (۱۴۰۲ش). ترجمه: حسین انصاریان، آیین دانش.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد. (۱۳۹۹ق). *النهایه فی غریب الحدیث والاثار*. بیروت: مکتبه العلمیه.
- احمد بن محمد بن خالد برقی. (۱۳۷۱ق). *المحاسن*. تحقیق: جلال الدین محدث ارموی، قم: دارالکتب الإسلامیه.
- اردکانی یزدی، قاضی محمد بن محمد. (۱۳۸۸). *تحفه الرضویه للصحیفه السجادیه*. قم: سازمان تبلیغات اسلامی.
- اسماعیلی، محمد؛ روحی، رحمت الله. (۱۴۰۲). «آثار اعتقاد به مالکیت خدا از منظر قرآن کریم»، فصل نامه *قرآن و علوم اجتماعی*، سال سوم، ش: ۴، صص ۸-۳۳.
- انصاریان، حسین. (۱۳۸۳). *شرح و تفسیر صحیفه سجادیه*. قم: دارالعرفان.
- تنکابنی، محمد بن سلیمان. (۱۳۸۴). *ترجمه صحیفه سجادیه*. تهران: شمس الضحی.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۰۷ق). *الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه*. بیروت: دارالعلم للملایین.
- خلجی، محمد تقی. (۱۳۸۳). *اسرار خاموشان*. شرح صحیفه سجادیه. قم: پرتو خورشید.
- طباطبایی، محمد حسین. (۱۴۱۷). *ترجمه تفسیر المیزان*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طریحی، فخر الدین. (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. تحقیق: احمد حسینی، تهران: مرتضوی.
- عبودیت، عبدالرسول، مصباح، مجتبی. (۱۳۸۹). *خداشناسی فلسفی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- فارسی مدان، علی. (۱۴۰۱). «بصیرت افزایی در نظام اعتقادی و سیاسی امام سجاد (ع) با تاکید بر دعای ۲۷ صحیفه سجادیه»، مجله دعاپژوهی، س ۲، ش ۲، صص ۱۳۴-۱۵۷.
- فهری زنجانی، احمد. (۱۳۸۸). *شرح و ترجمه صحیفه سجادیه*. تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه.
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
- قلی پور، معصومه. (۱۴۰۱). «نقش قدرت و اراده الهی در نزول بلایا و رفع آن در دعای هفتم صحیفه سجادیه»، مجله دعاپژوهی، س ۲، ش ۲، صص ۱۲-۲۶.
- کیوی، ریمون، کامپنهود، لوک وان. (۱۳۸۱ش). *روش تحقیق در علوم اجتماعی*. ترجمه: عبدالحسین نیک گهر، تهران: توتیا.
- کرپندورف، کلوس. (۱۳۷۸). *مبانی روش شناختی تحلیل محتوا*. ترجمه: هوشنگ نایینی، تهران: نشر روش.
- عترت دوست، محمد. (۱۴۰۱). *آشنایی با روش تحلیل محتوای نصوص دینی*. تهران: دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.
- قهپائی، بدیع الزمان. (۱۳۷۴). *ریاض العابدین*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۳۱۵ق). *بحار الأنوار*. قم: دارالکتب الإسلامیه.
- مدرسی چهاردهی، محمد علی بن محمد علی نصیر. (۱۳۶۰). *شرح صحیفه سجادیه*. بی تا، منشورات المکتبه المرتضویه.
- ممدوحی کرمانشاهی، حسن. (۱۳۸۸). *شهود و شناخت*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- Neuendorf, K. A. (2017). *The Content Analysis Guidebook* (2nd ed.). Sage

